

تاریخ پنهان آیه چهل — شماره نه

قدرت، جلال و رنج

Jeff Pippenger

2026-05-06

پطرس در پانیوم (قیصریه فیلیپی) است، که درست شش یا هشت روز پیش از میانه آن سه باری است که پطرس، یوحنا و یعقوب به تنهایی با عیسی رفتند. نخستین بار، نمایش قدرت او در رستاخیز دختر دوازده ساله یایروس بود؛ دومین بار، نمایش جلال او بر کوه تبدیل هیئت بود؛ و سومین بار، جتسیمانی، نمایش رنج او بود. در پانیوم، در فصل یازدهم، پطرس درست پیش از صلیب آیه شانزدهم قرار دارد. کوه، نقطه میانی این سه سفر اختصاصی سه شاگرد بود. بر کوه، پدر آسمانی نیز برای دومین بار از سه بار سخن گفت؛ پدر در تعمید، بر کوه، و سپس درست پیش از صلیب سخن گفت. پطرس دو بار در نقطه میانی سه رویداد مشخص قرار دارد. او همچنین نقطه میانی فصل‌های یازدهم تا بیست و دوم متی است.

آشوریان

کوه پیش از ورود ظفرمندان آمد؛ ورودی که با گشودن الاغ آغاز شد تا قربانی را به اورشلیم حمل کند، همان‌گونه که الاغ ابراهیم هیزم قربانی را به موریا، جایگاه باستانی هیکل در اورشلیم، حمل کرد. عید کرناها در توالی لاویان بیست و سه، گشودن الاغ را نشان‌گذاری می‌کند؛ از این رو، تجربه کوه تجلی پیش از ورود ظفرمندان واقع شد، و بدین‌سان پطرس را در تاریخ آن سی روز لاویان بیست و سه که با فصل پنطیکاست هم‌راستا است، قرار می‌دهد. در آن سی روز، هیکل (آزمون میانی) پر نامزدان وارد می‌شود تا در شمار آن هشتاد کاهن دلاور باشند. در شهادت شورش پادشاه عزیا در مکان مقدس، آن هشتاد کاهن به‌عنوان دلاور شناسانده می‌شوند، و بدین‌گونه القا می‌شود که کاهنانی نیز بودند که مشارکت نکردند.

و عزریا کاهن پس از او به اندرون رفت، و با وی هشتاد نفر از کاهنان خداوند، که مردانی دلیر بودند؛ و ایشان در برابر عزریا پادشاه ایستادگی کرده، به او گفتند: «ای عزریا، سوزانیدن بخور برای خداوند از آن تو نیست، بلکه از آن کاهنان، پسران هارون، است که برای سوزانیدن بخور تقدیس شده‌اند. از مقدس بیرون برو، زیرا تعدی کرده‌ای؛ و این از جانب یهوه خدا برای تو مایه حرمت نخواهد بود.» ۲ تواریخ ۱۷:۲۶، ۱۸

کاهنان دلیر کسانی هستند که هر کجا بره می‌رود، او را پیروی می‌کنند.

اینانند که با زنان آلوده نشدند، زیرا باکره‌اند. اینانند که هر جا بره برود، او را پیروی می‌کنند. اینان از میان آدمیان فدیة داده شدند تا نوبرها برای خدا و برای بره باشند. مکاشفه ۱۴:۴

شیر سبط یهودا قوم خود را به قدس‌الاقداس رهبری می‌کند و ایشان را وامی‌دارد تا به تابوت عهد بنگرند و کاهن اعظم را که در آنجا در آخرین کار خود برای محو گناه خدمت می‌کند، ملاحظه کنند. پطرس در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ قیام کرد و سپس با آزمون بنیانی درباره نقش روم در برپایی رؤیای بیرونی نبوت مواجه شد. سپس دومین آزمون معبد برای پطرس فرا رسید، و در همان‌جاست که رؤیای خط درونی در رؤیای اینه‌وار دانیال فصل ده به تصویر کشیده می‌شود.

پطرس در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ خداوند خود را انکار کرده بود، و این کار را سه بار انجام داد.

«پطرس سه بار آشکارا خداوند خود را انکار کرده بود، و عیسی نیز سه بار از او اطمینان محبت و وفاداری اش را برگرفت، و آن پرسش نافذ را همچون تیری زهرآگین به دل مجروح او فروبرد. عیسی در حضور شاگردان گردآمده، عمق توبه پطرس را آشکار ساخت و نشان داد که آن شاگرد زمانی لافزن، تا چه اندازه فروتن شده بود.» اشتیاق اعصار، ۸۱۲.

پطرس نمایانگر دو طبقه از پرستندگان بود.

«برای هر یک از طبقاتی که فریسی و باجگیر نماینده آن‌ها هستند، در تاریخ رسول پطرس درسی وجود دارد. پطرس در اوایل شاگردی خود، خویشتن را نیرومند می‌پنداشت. او نیز مانند فریسی، در برآورد خود از خویش، «مثل سایر مردم» نبود. هنگامی که مسیح در شام پیش از تسلیم شدن خویش، شاگردانش را پیشاپیش آگاه ساخت که «امشب همه شما به سبب من خواهید لغزید»، پطرس با اطمینان اظهار کرد: «اگرچه همه لغزش بخورند، من نخواهم خورد.» مرقس ۱۴:۲۷، ۲۹. پطرس از خطر خود آگاه نبود. اعتماد به نفس او را به گمراهی کشانید. او می‌پنداشت که قادر است در برابر وسوسه پایدار بماند؛ اما تنها چند ساعت بعد آزمون فرا رسید، و او با نفرین و سوگند، خداوند خود را انکار کرد.» امثال مسیح، ۱۵۲.

آن باجگیر نزد خانه خود مبرر رفت.

«فریسی و باجگیر نماینده دو طبقه بزرگانند که کسانی که برای عبادت خدا می‌آیند، به آن‌ها تقسیم می‌شوند. نخستین دو نماینده ایشان در نخستین دو فرزند یافت می‌شوند که در جهان زاده شدند.» Christ's Object Lessons, 152.

هابیل و باجگیر، نمادی از عادل‌شمردگی به وسیله ایمان هستند.

«و آن باجگیر، از دور ایستاده، حتی نمی‌خواست چشمان خود را به سوی آسمان بلند کند، بلکه بر سینه خود می‌زد و می‌گفت: خدایا، بر من گناهکار رحم فرما. به شما می‌گویم، این مرد بیش از آن دیگری، عادل‌شمرده، به خانه خود بازگشت؛ زیرا هر که خود را برمی‌افزاید، پست خواهد شد؛ و آن که خود را فروتن می‌سازد، سرافراز خواهد گردید.» لوقا ۱۳: ۱۸، ۱۴

پیام سال ۱۸۸۸ با فرود آمدن فرشته مکاشفه هجده همراه بود.

«خداوند در رحمت عظیم خویش، از طریق مشایخ واگنر و جونز، پیامی بس گران‌بها برای قوم خود فرستاد. این پیام می‌بایست نجات‌دهنده برافراشته را، یعنی قربانی برای گناهان تمام جهان، به گونه‌ای برجسته‌تر در برابر جهان قرار دهد. این پیام، عادل‌شمردگی از راه ایمان به ضامن را عرضه می‌داشت؛ مردم را دعوت می‌کرد تا پارسایی مسیح را بپذیرند، همان پارسایی‌ای که در اطاعت از همه احکام خدا آشکار می‌شود. بسیاری عیسی را از نظر دور کرده بودند. آنان نیاز داشتند که چشمانشان به سوی شخص الهی او، شایستگی‌های او، و محبت تغییرناپذیر او نسبت به خاندان بشری معطوف گردد. تمامی قدرت به دستان او سپرده شده است، تا عطایای غنی را به انسان‌ها ارزانی دارد و بخشش بی‌قیمت پارسایی خویش را به عامل انسانی در مانده عطا کند. این همان پیامی است که خدا فرمان داد به جهان داده شود. این، پیام فرشته سوم است که باید با آواز بلند اعلام شود و با افاضه روح او به مقیاسی عظیم همراه باشد.» Testimonies to Ministers, 91

پیام لائودیکیه

«پیامی که به وسیله ای. تی. جونز و ای. جی. واگنر به ما داده شد، پیام خدا به کلیسای لائودیکیه است، و وای بر هر کسی که ادعا می‌کند به حقیقت ایمان دارد، اما با این حال، پرتوهای عطاشده از سوی خدا را به دیگران باز نمی‌تاباند.» The 1888 Materials, 1053.

پیام باران آخر

«باران اخیر باید بر قوم خدا فرو ریزد. فرشته‌ای نیرومند باید از آسمان فرود آید، و تمامی زمین از جلال او روشن گردد.» 21 Review and Herald، آوریل 1891.

شهر نیویورک و ۱۱ سپتامبر

«اکنون این سخن از کجا آمده است که من اعلام کرده‌ام نیویورک باید به وسیله یک موج عظیم جزرومدی روبیده شود؟ من هرگز چنین چیزی نگفته‌ام. آنچه گفته‌ام این است که، هنگامی که به ساختمان‌های عظیمی که در آنجا طبقه بر طبقه بالا می‌رفتند می‌نگریستم، گفتم: "چه صحنه‌های هولناکی رخ خواهد داد آنگاه که خداوند برخیزد تا زمین را به شدت بلرزاند! آنگاه کلمات مکاشفه ۱۸:۱-۳ به انجام خواهد رسید." تمامی باب هجدهم مکاشفه هشدار می‌دهد که از آنچه بر زمین خواهد آمد. اما من به طور خاص نوری درباره آنچه بر نیویورک خواهد آمد ندارم، جز این که می‌دانم روزی ساختمان‌های عظیم آنجا به وسیله گرداندن و واژگون ساختن قدرت خدا فرو افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده است، می‌دانم که هلاکت در جهان است. یک کلمه از جانب خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این سازه‌های سترگ فرو خواهند ریخت. صحنه‌هایی رخ خواهد داد که هولناکی آنها را نمی‌توانیم تصور کنیم.» Review and Herald, July 5, 1906.

پطرس باجگیر نمایانگر نفسی است که به وسیله ایمان عادل شمرده می‌شود، و عادل شمرده می‌شود به وسیله ایمان همان پیام فرشته سوم است؛ این همان پیام لائودیکیه است که در ۹/۱۱ فرا رسید، هنگامی که بناهای عظیم نیویورک فرو ریختند و مکاشفه ۱۸:۱-۳ به انجام رسید. سپس باران آخرین آغاز به باریدن اندک اندک کرد و مهرگذاری یکصد و چهل و چهار هزار آغاز شد. در پایان زمان مهرگذاری یکصد و چهل و چهار هزار، فرشته مکاشفه هجده به عنوان میکائیل رئیس فرشتگان نازل شد و پطرس را به وسیله سه آزمون برخیزانید. نخستین آزمون در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ آغاز شد و نمایانگر آن حقیقت بنیادی بود که روم همان قدرت آیه چهارده دانیال یازده است که رؤیا را برقرار می‌سازد. آن رؤیا، رؤیای حازون است، که نمایانگر خط خارجی نبوت است؛ خطی که سلیمان می‌گوید حیات یا ممات است.

جایی که رؤیای [chazon] نباشد، قوم هلاک می‌شود؛ اما خوشا به حال آن که شریعت را نگاه می‌دارد. امثال 29:18.

آزمون دوم پطرس، آزمون معبد است که مستلزم ورود به قدس‌الاقداص به وسیله ایمان است، چنان که خواهر وایت در نخستین رؤیاهای خود آن را به تصویر کشید. در آنجا او دید که فرمان سبت روز هفتم، بر فراز نه فرمان دیگر درخشندگی دارد. آن تعلیم، در آغاز دآوری، نمایانگر تعلیم تجسد است که در ایام آخر، در هنگام اختتام دآوری، بر فراز دیگر تعلیم نبوی می‌درخشد. تجسد مسیح الهی، که با آنکه گناه را نشناخت، جسم ساقط گناه‌آلود را بر خود گرفت، در نمونه‌های گوناگون به تصویر کشیده شده است. مهم‌ترین آنها تعلیم هفت زمان است. تعلیم هفت زمان، آلفای اکتشافات نبوی میلر بود، و در سال 1856 آن تعلیمی بود که تعلیم اومگای تاریخ میلری را نمایندگی می‌کرد، جایی که ادونتیسیم فیلادلفیایی میلری، در طی هفت سال طغیان کرد و در سال 1863 به کلیسای ادونتیست روز هفتم لائودیکیه تبدیل شد.

دو چوب حزقیال سی‌وهفت نمایانگر دو دآوری ۲،۵۲۰ ساله بر ضد پادشاهی‌های شمالی و جنوبی هستند. پادشاهی شمالی نمایانگر جسم انسانی است و پادشاهی جنوبی نمایانگر ذهنی است که برای متحد شدن با ذهن مسیح طراحی شده بود؛ بدین‌سان، الوهیت با انسانیت متحد می‌گردد. این، آموزه تجسد در بازنمایی‌ای ساده‌شده است. «هفت زمان» آلفا و امگای تاریخ میلریتی بود، و چون نمایانگر تجسد است، همچنین امگای تاریخ ادونتیست‌های روز هفتم نیز هست، در ارتباط با آموزه

آلفای سبت در سال ۱۸۴۴. یکی نشانه سبت روز هفتم است و دیگری نشانه سبت سال هفتم.

نام پطرس در پانیوم تغییر می‌یابد؛ و این دومین گام برای بازنمایی عهد نخست با قومی برگزیده توسط ابراهیم بود، و پطرس در دومین گام خود نماینده عهد آخر با قومی برگزیده می‌شود. این، دومین گام در امتداد فصل‌های یازده تا بیست‌ودو است، و دومین از سه باری است که پطرس، یعقوب و یوحنا همراه با عیسی، دور از دیگر شاگردان، رفتند؛ و نیز دومین از سه باری است که پدر آسمانی سخن گفت. خط نرون در نقطه میانی میان نبردهای رافیا و پانیوم پایان می‌یابد، زیرا با آن دو دوره دیگر ۲۵۰ ساله که در BC 457 و 1776 آغاز شدند، هم‌راستا است. BC 457 در BC 207 پایان یافت و 1776 در 2026 پایان می‌یابد. پطرس در BC 207، 2026، BC، و آزمون هیکل قرار دارد؛ آزمونی که پیش از سومین و آزمون محک گشوده شدن‌اللاغ واقع می‌شود، که به صورت عید شیپورها بازنمایی شده است.

امتحان پطرس آن است که مسیح را تا قدس‌الاقداس پیروی کند، و کار او این است که پیام گلوله‌های آتشین نشویل را تصحیح کرده، سپس پیام تصحیح‌شده را اعلام نماید. پیام پطرس درباره گلوله‌های آتشین نشویل، همان پیام پنطیکاست است که نخست در بالاخانه ارائه شد و پس از آن در هیکل. او پیام خود را با شناسایی گلوله‌های آتشین نشویل و تحقق نبرد رافیا، در پیوند با نبرد پانیوم ارائه می‌کند؛ نبردی که در قانون یکشنبه آیه شانزدهم به نبرد آکتیوم بدل می‌شود. قانون یکشنبه آیه شانزدهم همچنین همان قانون یکشنبه آیه چهل‌ویک و آیه بیست‌ودو است. این سه آیه همچنین با آیه سی‌ویک منطبق‌اند، جایی که پایت در سال ۵۳۸ زمام امور را به دست گرفت و در سومین شورای اورلنن قانونی برای یکشنبه گذراند. آیاتی که به آیه سی‌ویک منتهی می‌شوند، نشانه‌های راهی را مشخص می‌کنند که به قانون یکشنبه سال ۵۳۸ انجامید و نمونه‌وار تاریخ پیش از قانون یکشنبه‌ای را که به زودی خواهد آمد، نشان می‌دهند.

زیرا کشتی‌های کتیم بر ضد او خواهند آمد؛ از این رو اندوهگین خواهد شد، و باز خواهد گشت، و بر عهد مقدس خشم خواهد گرفت؛ و چنین خواهد کرد؛ بلکه باز خواهد گشت و با آنان که عهد مقدس را ترک می‌کنند، همدست خواهد شد. و لشکرها از جانب او برپا خواهند شد، و ایشان مقدس قلعه را نجس خواهند ساخت، و قربانی دائمی را بر خواهند داشت، و مکروه ویرانگر را برپا خواهند کرد. دانیال ۱۱:۳۱، ۳۱

«کشتی‌های کتیم» نمایانگر واندال‌ها بودند، که همچنین به صورت شیپور دوم در مکاشفه باب هشت نیز به تصویر کشیده شده‌اند. زوال تدریجی روم از سال ۳۳۰ آغاز شد، هنگامی که کنستانتین پادشاهی را به شرق و غرب تقسیم کرد. پس از آن، آن را میان سه پسر خود تقسیم نمود. امپراتوری روم که از زمان نبرد آکتیوم شکست‌ناپذیر بوده است، آنگاه به دو بخش، سپس به سه بخش تقسیم شد؛ سپس چهار شیپور نخست مکاشفه هشت هجوم دشمنانی را نمایان ساختند که در سال ۴۷۶ روم غربی را به پایان رساندند. روم شرقی در قسطنطنیه تا پایان شیپور پنجم و آغاز شیپور ششم ادامه یافت، که این دو همچنین وای اول و وای دوم هستند. نبوت زمانی یک‌صد و پنجاه سال وای اول در همان تاریخی به پایان رسید که نبوت زمانی وای دوم آغاز شد. آن تاریخ، سقوط قسطنطنیه به دست ترکان عثمانی در سال ۱۴۵۳ بود.

بابل در یک شب سقوط کرد؛ شاید استدلال کنید که کوروش نخست می‌بایست مسیر رودخانه را منحرف سازد و این مستلزم مدتی زمان بود، اما سقوط بابل در یک شب رخ داد؛ حال آنکه سقوط روم ۱۱۲۳ سال را دربر گرفت. آن سال‌ها دربردارنده نشانه‌های راه نبوی مشخصی بودند که زوال تدریجی روم امپراتوری را توصیف می‌کنند، و روم امپراتوری بت‌پرست در کاری که ایالات متحده در قرار دادن پایت بر تخت به‌عنوان پادشاهی پنجم نبوت کتاب مقدس در سال ۵۳۸ انجام می‌دهد، نمونه نوعی

ایالات متحده است. پایت در قانون یکشنبه آیه شانزدهم دانیال یازده بر تخت نشاند می شود. نشانه های راهی که کار ایالات متحده را نمونه وار نشان می دهند، در نشانه های راه زوال تدریجی روم بت پرست بازنمایی شده اند.

کشتی های کتیم نمایانگر فاجعه ای مالی برای روم بودند، زیرا نیروی دریایی و اندال ها بر مسیرهای کشتیرانی دریای مدیترانه ویرانی آورد. در ایام آخر، اسلام به مثابه فاجعه ای مالی برای پادشاهان زمین ترسیم شده است. واندال ها و کشتی های آنان قدرت شیپور دوم بودند و سه وای، قدرت های شیپوری اسلامی اند. نخستین آن عربستان بود، دومین ترکیه، و سومین جهانی است.

کشتی ها نماد قدرت اقتصادی اند، و در کتب مقدس، کشتی های کتیم برجسته ترین نمادهای قدرت اقتصادی هستند. آن کشتی ها به وسیله باد شرقی خشمگین در میان دریاها غرق می شوند، و در کتب مقدس، اسلام همان بنی مشرق است. هنگامی که در توالی نبوی وقایع از اسلام یاد می شود، بحران اقتصادی پدید می آورد. اسلام در ماجرای بلعام با الاغی نمود می یابد، که همان واژه عبری است که در نخستین معرفی اسماعیل در کتب مقدس به «مرد وحشی» ترجمه شده است. اسماعیل در سطح نبوی پدر اسلام است، بی آنکه ابراهیم به عنوان پدر اسماعیل انکار شود، بلکه دوازده قبیله اسماعیل در کتب مقدس به عنوان بنی مشرق شناخته می شوند.

در ایام آخر، بلعام که نماد ایالات متحده به عنوان نبی کاذب است، الاغ خود را سه بار می زند که نمایانگر سه ضربه اسلام است. ۱۱ سپتامبر نخستین آن ضربه ها بود و ورود فرشته مهرکننده را نشان کرد، همان که از مشرق صعود می کند در هنگامی که بادهای سخت شرارت از شرق می وزند. دومین ضربه اسلام دوگانه است، زیرا گام دوم نشانگر دوچندان شدن است. در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، اسلام به طور غیرمنتظره بر اسرائیل تحت اللفظی ضربه زد، و هنگامی که نشویل، تنسی، به طور غیرمنتظره از سوی اسلام مورد ضربه قرار گیرد، اسرائیل روحانی ضربه خورده خواهد بود. در داستان بلعام، دومین نشان راه در میان دو تاکستان واقع شد، و آن دو تاکستان یهوه صباوت، اسرائیل باستانی تحت اللفظی و ایالات متحده، یعنی اسرائیل روحانی مدرن، بودند. سومین نشان راه بلعام هنگامی بود که الاغ سخن گفت؛ و نماد سخن گفتن که پایان زمان مهرشدن یکصد و چهل و چهار هزار تن را، که از ۱۱ سپتامبر آغاز شد، مشخص می کند، قانون یکشنبه است، هنگامی که ایالات متحده همچون اژدها سخن می گوید. زلزله عظیم مکاشفه یازده همان قانون یکشنبه است، جایی که وای سوم به زودی می آید، جایی که ایالات متحده، الاغ، و زکریا سخن می گویند.

پدر یحیی تعمیددهنده از هشتمین بیست و چهار فرقه کاهنانی بود که داود برای خدمت در هیکل برپا داشته بود. زکریای کاهن، به سبب ناباوری اش تا زمان تولد پسرش یحیی لال گردید و نمادی از عدد هشت است (که نماد کهنانت است). در هنگام قانون یکشنبه، نسل نهایی کاهنان که به وسیله یحیی تعمیددهنده نمایانده شده است، همان گونه که به وسیله پدرش زکریا نمایان گردیده است، سخن خواهد گفت. مسیح، یحیی را ایلیا معرفی کرد، و پیام ایلپای آخرالزمان در رابطه پدر و فرزند بازنموده شده است، چنان که در زکریا و یحیی بود. یحیی به وسیله ارمیا نمونه وار گردیده بود، کسی که به او گفته شده بود اگر بازگردد، دهان خدا خواهد بود.

ارمیا بر نخستین ناامیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ نوحه می کرد، و اگر بازمی گشت، در هنگام قانون یکشنبه دهان خدا می شد، آنگاه که پیام نبوی حقوق را عرضه می داشت؛ پیامی که درنگ کرده بود، اما می بایست در پایان «سخن بگوید». ارمیا، و بنابراین یوحنا، و بنابراین پطرس، می بایست پیام حقوق را در آن نقطه بیان کند که الاغ اسلام سخن می گوید، و هنگامی که ایالات متحده همچون اژدها سخن می گوید.

پطرس در قیصریه فیلیپی، که همان پانیوم است، در دوره ای از زمان قرار دارد که پیش از راه نشانه «کوه» بود؛ راه نشانه ای که قرار بود ورود ظفرمندانه در پی آن بیاید، ورودی که به صلیب، یا قانون

یک‌شنبه، منتهی شد. این دوره زمانی با نبرد پانیوم به تصویر کشیده شده است، نبردی که با پیروزی پاپ و قدرت نیابتی او، یعنی ایالات متحده، پایان می‌یابد. پانیوم سومین سه جنگ نیابتی است که نخستین آن‌ها در سال ۱۹۸۹ با دیوار برلین به پایان رسید، و آخرین یا سومین جنگ نیابتی با فروریختن «دیوار» جدایی کلیسا و دولت به پایان می‌رسد. سال ۱۹۸۹ اوج یک جنگ نیابتی بود که «جنگ سرد» نامیده می‌شد و در پایان جنگ جهانی دوم آغاز شده بود، و پانیوم نمایانگر یک جنگ سرد است که در جنگ جهانی سوم، که با نبرد آکتیوم به تصویر کشیده شده است، پایان می‌یابد. در میانه نخستین و سومین راه‌نشانه از سه جنگ نیابتی، جنگ واقعی در اوکراین قرار دارد که با نبرد رافیه در آیات یازده و دوازده به تصویر کشیده شده است.

پانیوم یک جنگ سرد است که به جنگ جهانی سوم منتهی می‌شود، همان‌گونه که جنگ سردی که در زمان پایان در سال ۱۹۸۹ به پایان رسید و در پایان جنگ جهانی دوم آغاز شده بود، آن را به تصویر می‌کشد. در نشانه‌های راه که به وسیله آیه ده و سال ۱۹۸۹، آیات یازده و دوازده و جنگ اوکراین که در سال ۲۰۱۴ آغاز شد، و آیات سیزده تا پانزده و جنگ سرد کنونی میان مگائیسیم و جهانی‌گرایی نمایانده شده‌اند، سه رئیس‌جمهور وجود داشتند که اتحادیهایی میان پاپیت و ایالات متحده را مشخص کردند.

رونالد ریگان یک ائتلاف پنهانی با پاپ ژان پل دوم داشت؛ پاپی محافظه‌کار از لحاظ نبوت‌های شیطانی فاطیما، و او با تاریخ نبوی آیه ده مرتبط است. ریاست‌جمهوری او با ما با تاریخ نبرد رافیا در آیات یازده و دوازده همسو است. در دوران ریاست‌جمهوری او دو پاپ نمادین وجود داشت، زیرا Waymark دوم یک دوگانگی را مشخص می‌کند. در Waymark سوم آیات سیزده تا پانزده، پاپ، نخستین پاپ از ایالات متحده است. ما در ابتدا فرض کردیم که پاپ لئو، همچون ژان پل دوم، پاپی محافظه‌کار است؛ اما هنگامی که این امر تحت کاربرد نبوی یک کاربرد سه‌گانه اعمال می‌شود، Waymark سوم ویژگی‌های دو تحقق نخست را در خود دارد؛ بنابراین لئو همان ژان پل دوم محافظه‌کار است، او همان رئیس پیشین دفتر تفتیش عقاید، بندیکت شانزدهم، است که در دوران او با ما به سود پاپ بیدارگر، فرانسیس، کناره‌گیری کرد.

نخستین جنگ نیابتی با یک آیه، دومی با دو آیه، و سومی با سه آیه نشان داده شده است. جنگ سردی که در ۱۹۸۹ پایان یافت، در پایان جنگ جهانی دوم آغاز شد؛ و جنگ جهانی سوم که به وسیله نبرد آکتیوم نشان داده می‌شود، در پایان جنگ سردی آغاز می‌گردد که به وسیله نبرد پانیوم نمایش یافته است. سه جنگ جهانی، همانند سه جنگ نیابتی، تحت حاکمیت اصولی هستند که با کاربرد سه‌گانه نبوت مرتبط‌اند. پایان جنگ جهانی دوم، جنگ سردی را آغاز کرد که با هشتمین رئیس‌جمهور از زمان روزولت در ۱۹۴۵، یعنی ریگان، به پایان رسید. ریگان در زمان آخر، در ۱۹۸۹، سلسله‌ای از هشت رئیس‌جمهور را آغاز کرد که به ترامپ (که از آن هفت است) منتهی می‌شود. جنگ سرد ترامپ در ۲۰۱۵ آغاز شد، هنگامی که نامزدی خود را برای ریاست‌جمهوری اعلام کرد و جهانی‌گرایان را به جنب‌وجوش درآورد، در تحقق دانیال باب یازده آیه دو. آن جنگ سرد در قانون یکشنبه پایان می‌یابد، که همان نبرد آکتیوم است، سومین مانع روم پیش از آن که به طور مطلق حکم براند.

روزولت آغازگر هشت رئیس‌جمهور تا ریگان بود؛ همان‌گونه که ریگان آغازگر هشت رئیس‌جمهور تا ترامپ بود. روزولت نشانه جنگ جهانی دوم است؛ او در ۱۲ آوریل ۱۹۴۵ درگذشت، و سپس ترومن رئیس‌جمهور بود هنگامی که جنگ اروپا در ۸ مه پایان یافت و جنگ اقیانوس آرام در ۲ سپتامبر به پایان رسید. جنگ اروپا عمدتاً نبردی زمینی بود و جنگ اقیانوس آرام نبردی دریایی بود؛ درست همان‌گونه که پانیوم نمایانگر نبردی زمینی است و آکتیوم نمایانگر نبردی دریایی. نخستین، واپسین را به تصویر می‌کشد، و توالی هشت رئیس‌جمهور بر گواهی دانیال باب یازدهم، آیات ۲ و ۳، و نیز بر معمای هشتم که از آن هفت است، بنا شده است. در دو کنگره قاره‌ای نخست، در آغاز تاریخ وحش، زمین مکاشفه سیزده، هفت دوره ریاست وجود داشت. در آن تاریخ، جرج واشنگتن به‌عنوان فرمانده

کل منصوب شد. واشنگتن، به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور رسمی، در کنگره قاره‌ای دوم منصوب گردید، و این انتصاب، واشنگتن را در همان آغاز، به‌مثابه هشتمین از هفت رئیس‌جمهور، نمادپردازی می‌کند.

نخستین رئیس‌جمهور، هشتمین نخستین هفت رئیس‌جمهور بود، و آخرین رئیس‌جمهور آن هشتمی است که از آن هفت است. کاهن، زکریا، در هنگام تولد یوحنا سخن می‌گوید، آنگاه که الاغ سخن می‌گوید، و آنگاه که وحش زمین سخن می‌گوید. این همان جاست که رؤیای حبقوق نیز سخن می‌گوید. تولد یوحنا، که نمودار علم یک‌صد و چهل و چهار هزار تن در قانون یکشنبه است، آخرین نسل زکریای کاهن می‌باشد. زکریا در هشتمین بیست‌و‌چهار نوبت کاهنان بود. در قانون یکشنبه، زکریا (کاهنان) سخن می‌گوید، هنگامی که اسلام (الاغ) سخن می‌گوید و ایالات متحده همچون اژدها سخن می‌گوید. در آن waymark، زخم مهلک پاپی التیام می‌یابد و او آن هشتمی می‌شود که از آن هفت است. ترامپ نیز آن هشتمی است که از آن هفت است، و اوست که صورت وحش را پدید می‌آورد که در قانون یکشنبه به کمال می‌رسد. سپس کهنات یک‌صد و چهل و چهار هزار تن دهان خدا می‌گردد و در فریاد بلند فرشته سوم، پیام را اعلام می‌کند. آن کهنات، هشتمین کلیساست که از آن هفت است.

روزولت آغازگر هشت رئیس‌جمهوری است که به زمان آخر در سال 1989 منتهی می‌شوند، و او گذار از جنگ جهانی دوم به جنگ سردی را نشان می‌دهد که در 1989 پایان می‌یابد. رئیس‌جمهور ترومن پس از روزولت آمد و در زمانی حکومت کرد که نبردهای خشکی و دریایی تشکیل‌دهنده جنگ جهانی دوم به پایان رسید. ترومن، در مقام رئیس‌جمهور، در زمانی حکومت می‌کرد که سازمان ملل متحد در 24 اکتبر 1945 آغاز شد. رابطه میان روزولت و ترومن به‌وسیله سال 1945 برقرار می‌شود. هر دو در آن سال رئیس‌جمهور بودند، و در آن سال جنگ دوگانه‌ای که همان جنگ جهانی دوم بود به پایان رسید، و سازمان ملل متحد تشکیل شد، و جنگ سرد آغاز گردید.

در سال ۱۹۸۹ نیز، همانند سال ۱۹۴۵، دو رئیس‌جمهور وجود داشتند: رونالد ریگان و جورج بوش پدر. ریگان به جنگ سرد پایان داد و جورج بوش پدر، هنگامی که در ۱ اکتبر ۱۹۹۰ در «چهل‌وپنجمین» مجمع عمومی سازمان ملل متحد سخنرانی کرد، اعلام نمود که پیش و بیش از هر چیز یک جهان‌گراست؛ جایی که از ساختن «نظم نوین جهانی» سخن گفت. او در آن سخنرانی اظهار داشت: «این در دستان ماست که این ماشین‌های تاریک را پشت سر بگذاریم، در همان قرون تاریکی که به آن تعلق دارند، و به پیش برویم تا یک حرکت تاریخی به‌سوی نظم نوین جهانی و دورانی طولانی از صلح را به کمال برسانیم.»

در این سخنرانی، بوش این مفهوم را به همکاری پس از جنگ سرد، بحران خلیج [فارس] (تهاجم عراق به کویت)، تقویت سازمان ملل، و شراکتی نوین میان ملت‌ها بر پایه حاکمیت قانون پیوند داد. بوش نخستین بار چند هفته پیش‌تر، در نطقی به تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۰ خطاب به نشست مشترک کنگره، عبارت «نظم نوین جهانی» را به‌طور گسترده رواج داد.

به این واقعیت توجه کنید که بوش سخنرانی خود در سازمان ملل را در زمینه‌ای قرار داد که در آن، پایان اخیر جنگ سرد را با تعبیر «قرون تاریک» شناسایی کرد. قرون تاریک در زمان آخر در سال 1798 به پایان رسید، و بوش در زمان آخر 1989 قرار داشت. توجه کنید که در نخستین بار که او عبارت «نظم نوین جهانی» را به کار برد، اسلام ملت‌ها را به خشم می‌آورد، و آن سخنرانی در 9/11 ایراد شد. از روزولت تا کارتر هشت رئیس‌جمهور بودند، و از ریگان تا ترامپ نیز هشت رئیس‌جمهور بودند. ترامپ آخرین رئیس‌جمهور است و نمونه‌وار به‌وسیله نخستین رئیس‌جمهور پیش‌انگاشته شده بود، که هشتمین هفت رئیس‌جمهور نخست بود.

زمان آخر در سال ۱۷۹۸ زخم مهلکِ پاپیت را مشخص می‌سازد، و پاپیت همان قدرتی بود که در طول اعصار تاریک بر پادشاهان اروپا حکم می‌راند. در مکاشفه هفده، آن رابطه به صورت فاحشه‌ای به تصویر کشیده شده است که بر وحشی سوار است و بر آن سلطنت می‌کند. در سال ۱۷۹۸ حمایت پادشاهان اروپا برداشته شد و آن وحش مرده بود. در سال ۱۷۹۹ پاپ در تبعید درگذشت. سال‌های ۱۷۹۸ و ۱۷۹۹ زمان آخر را به کامل‌ترین معنای آن نمایندگی می‌کنند، همان‌گونه که زمان آخر در روزگار مسیح با تولد یحیای تعمیددهنده مشخص می‌شود و سپس شش ماه بعد با تولد مسیح. اظهارات بوش در سال ۱۹۹۰، بوش را به مثابه دومین دو رئیس‌جمهوری نمایان می‌سازد که زمان آخر را مشخص می‌کنند و حرکت به سوی جهانی‌گرایی را نشان می‌دهند، که همان قدرت اژدهاست. نمادپردازی بوش گامی به سوی قانون یکشنبه را نشان می‌دهد، آنگاه که ایالات متحده با سخن گفتن همچون اژدها، به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس به پایان می‌رسد. در هنگام قانون یکشنبه، ایالات متحده صدای سازمان ملل متحد می‌شود. دقیقاً در همان زمینه، اسلام ملت‌ها را به خشم می‌آورد، و ۱۱ سپتامبر مشخص می‌شود. ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۰، هنگامی که بوش نخست درباره دستورکار جهانی‌گرایانه خود با کنگره سخن گفت، نمونه‌ای از زمانی بود که اسلام بار دیگر در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ملت‌ها را به خشم می‌آورد، اما در آن هنگام رئیس‌جمهور بوش آخر می‌بود.

روزولت، نخستین هشت رئیس‌جمهوری بود که پایان جنگ جهانی دوم را در سال ۱۹۴۵ رقم زد، و پس از او رئیس‌جمهور بعدی آمد که سازمان ملل متحد را پدید آورد. ریگان، نخستین هشت رئیس‌جمهوری بود که پایان جنگ سرد را در سال ۱۹۸۹ رقم زد، و پس از او رئیس‌جمهور بعدی آمد که سازمان ملل متحد را ترویج کرد. آخرین رئیس‌جمهور از این هشت رئیس‌جمهور، جنگ سردی را که هنگامی آغاز شد که او در سال ۲۰۱۵ قصد خود را برای نامزد شدن اعلام کرد، پایان خواهد داد و جنگ جهانی سوم را آغاز خواهد کرد. او پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس را به سر پادشاهی هفتم نبوت کتاب مقدس (سازمان ملل متحد) منتقل خواهد ساخت، و سپس در هنگام قانون یکشنبه موافقت خواهد کرد که آن پادشاهی را به وحش بدهد.

همان‌گونه که جنگ جهانی دوم از یک جنگ زمینی و یک جنگ دریایی تشکیل شده بود، رئیس‌جمهور آخر نیز یک جنگ سرد خواهد داشت که به‌وسیله نبرد زمینی پانیوم نمایش داده می‌شود؛ نبردی که به نبرد دریایی آکتیوم منتهی می‌گردد. در قانون یکشنبه، جنگ سردی که با برانگیختن جهانی‌گرایان از سوی ترامپ در سال ۲۰۱۵ آغاز شد، به جنگ جهانی سوم تبدیل می‌شود، چنان‌که در نبردهای زمینی و دریایی جنگ جهانی دوم به تصویر کشیده شده است. در پایان جنگ جهانی دوم، گام بعدی جهانی‌گرایی سازمان ملل متحد بود، همان‌گونه که در پایان جنگ سرد با ریگان و بوش نیز چنین بود. نخست، ایالات متحده در قانون یکشنبه به پایان می‌رسد؛ سپس «نظم نوین جهانی» بوش، پادشاهی هفتم را معرفی می‌کند، که بی‌درنگ موافقت می‌کند اقتدار خود را به پادشاهی هشتم بسپارد.

بوش نخستین و بوش آخر به‌واسطه اعلام «نظم نوین جهانی» از سوی اولی در برابر کنگره در ۱۱ سپتامبر، و قانون میهن‌دوستی ۲۰۰۱ از سوی آخری، به یکدیگر پیوند خورده‌اند. هر دو این نشانه‌ها در چارچوب به خشم آوردن امت‌ها به‌وسیله اسلام قرار داده شده‌اند.

این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.